



تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری

پدیدآورده (ها): حسین پور، سید علی

تاریخ: :: تاریخ اسلام در آینه پژوهش :: زمستان 1386 - شماره 16
از 59 تا 82

آدرس ثابت: <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/745968>

دانلود شده توسط: رسول جعفریان

تاریخ دانلود: 17/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری *

سیدعلی حسین پور

دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع

چکیده

تاریخ اجتماعی و تحولات مربوط به آن چندی است مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش در این باب نه تنها برای شناخت روش‌ها، عوامل، مؤلفه‌ها و آرای تاریخی - اجتماعی مورخان ضروری می‌نماید، بلکه سبب ایجاد دگرگونی‌های قابل توجهی در نتیجه‌گیری‌های صورت گرفته درباره علل ظهور، سقوط، اعتلا و... جوامع گذشته خواهد شد. از این رو می‌توان ادعا کرد تجدیدنظر و حتی بازنویسی بسیاری از موضوعات تاریخی که تاکنون بدون توجه به تاریخ اجتماعی نگارش یافته، ضروری است. تحقیق درباره تاریخ اجتماعی عصر اسلامی و به‌خصوص تاریخ اجتماعی شیعیان، به سبب پراکندگی آن در منابع متعدد و نبود منابع کهن مختص به این موضوع، امر دشواری به نظر می‌رسد.

* نکته مهمی که جای دارد در ابتدای این مقاله به آن اشاره شود، تشکر از زحمات استاد ارجمند حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر الویری است که با بیان دقیق مفاهیم بنیادین، عوامل و مؤلفه‌های تشکیل دهنده تاریخ اجتماعی در کلاس درس «تاریخ اجتماعی شیعیان» راه‌گشای ارائه این مقاله گردیدند. اموری که یافتن، ارائه، تحلیل و توضیح درباره آن‌ها به دلیل نوظهور بودن این علم قطعاً کاری دشوار و مستلزم صرف زمان بسیار بوده است.

نوشتاری که در پی می‌آید تحقیقی است در مورد برخی عوامل و مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان در نیمه نخست قرن نهم (۸۰۰ - ۸۵۰ق). این دوره، مصادف است با حکومت تیموریان بر سرتاسر ایران و برخی مناطق مسلمان‌نشین اطراف آن، که تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به برخی ابعاد تاریخ اجتماعی آن عصر می‌باشد.

واژگان کلیدی: تاریخ اجتماعی، شیعیان، عوامل شکل‌گیری، مؤلفه‌ها و تیموریان.

مقدمه

تاریخ اجتماعی به معنای امروزی آن، از غرب وارد علوم ما شده است. برخی گفته‌اند: تاریخ اجتماعی، تاریخ‌نگاری‌ای است که عنصر سیاست در آن دخیل نباشد.^۱ این تعریف، دقیق نیست، اما محدوده گسترده‌ای را شامل می‌شود. تعریف دیگری که بیان کرده‌اند، ویژگی‌های تاریخ اجتماعی را بیان می‌کند: تاریخ‌نگاری اجتماعی، تاریخ‌نگاری‌ای است که نگاه خُرد (نه نگاه کلان) دارد؛ نگاهی از پایین به تاریخ انداختن و به روابط انسانی همه آحاد آن توجه کردن. به بیان دیگر، تاریخ اجتماعی به لایه‌های زیرین حوادث اجتماعی نگاه می‌کند و در مقام تحلیل و تبیین مسائل تاریخ - برخلاف شیوه سنتی که به چهره‌های برجسته توجه می‌کرده^۲ - به همه اقشار جامعه نگاه می‌کند. علاوه بر این، در این تاریخ‌نگاری به جای توجه به ابعاد شناخته شده، توجه به ابعاد ناشناخته حوادث است. همه توصیف فوق یک معنا را ارائه می‌کند:

تاریخ اجتماعی نوعی فهم از تاریخ است که در مقام تحلیل و تبیین حوادث به گرایش‌های فکری و ویژگی‌های اخلاقی و سبک و سیاق زندگی عامه مردم به عنوان یک عامل اثرگذار بر روند حوادث تکیه می‌کند.

۱. جولوس گولد و ویلیام ل کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۰۲، ذیل عنوان تاریخ اجتماعی.
۲. برخی نویسندگان غربی، تاریخ اجتماعی و تاریخ اقتصادی را واکنشی علیه تاریخ محدود سیاسی، به خصوص تاریخ حکومت و سیاست‌مداری می‌دانند، ر.ک: جولوس گولد و ویلیام ل کولب، همان، ص ۲۰۱.

محورهای کلی بحث در تاریخ اجتماعی

الف) عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تاریخ اجتماعی

مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱. نژاد: منظور همان توالی نسل‌ها و همبستگی خونی می‌باشد. شناخت این عامل، درچه‌ای به روی ما باز می‌کند که ریشه زندگی اجتماعی آنان را بهتر درک کنیم. برای استفاده از این عامل در بحث تاریخ اجتماعی باید کتاب‌های مردم‌شناسی را مطالعه نمود.

۲. دین / مذهب: اندیشه‌های دینی همواره بر شیوه زندگی مردم اثرگذار بوده‌اند؛ این تأثیر، گاه در حیطه اندیشه‌هاست و گاه در حیطه رفتارها. در بحث دین باید به دو نکته توجه کرد: اول، آن‌که برخی مسائل متأثر از آموزه‌های دینی هستند؛ یعنی رابطه مستقیم با دین ندارند، بلکه با واسطه، رنگ دینی به خود می‌گیرند. به عنوان مثال، تکیه، حسینیه، زینبیه و... دستور دینی مستقلاً برای تأسیس آن‌ها در دست نیست، بلکه آن‌چه وارد شده تکریم شعائر و زنده نگهداشتن اهل بیت علیهم‌السلام است که سبب شکل‌گیری نهادی خاص در زندگی اجتماعی شده است. این مورد نه دینی خاص است و نه جزء امور لاینفک زندگی مردم، بلکه متأثر از آموزه‌های دینی است. دوم، بحث تطبیق‌پذیری دین با محیط‌های مختلف و هنجارهای اجتماعی است. با بررسی دقیق می‌توان روش‌های تطبیقی پیروان یک دین را با محیط‌های مختلف به دست آورد. به عنوان مثال، شیعیان در محیط‌های مختلف به شکل‌های مختلف با گروه‌های دیگر تعامل می‌کنند، چنان‌که شیعیان در هند، پاکستان، افغانستان، ایران، عراق و لبنان هر کدام به گونه‌ای خاص زندگی می‌کنند. بحث تطبیق‌پذیری پیروان دین واحد با محیط‌های مختلف اجتماعی از عرصه‌های بررسی در تاریخ اجتماعی است.

۳. اقلیم / سرزمین (شرایط آب و هوایی): محیط طبیعی که انسان در شکل‌گیری آن اثرگذار نیست بر چگونگی زندگی اجتماعی انسان‌ها اثرگذار است. مثلاً پوشش مردان و زنان، نوع سرپوش، خوراک و نگهداری آذوقه در محیط‌های پرباران

شمال، برفی کوهستانی و کویری و خشک با هم تفاوت دارد. هم چنین نوع ساخت و مهندسی مسکن و مصالح به کار رفته در آن، هنرها و صنایع دستی و هم چنین ابزار دفاعی در مناطق مختلف جغرافیایی، با توجه به نیاز آن‌ها متفاوت است. به عنوان مثال، پشت بام‌ها در مناطق برفی و بارانی به صورت شیب دار و در مناطق کویری، مثل یزد صاف و همراه با بادگیرهای متعدد است که هر یک به نوبه خود حرفه و هنرمندانی خاص را می‌طلبد. بنابراین، تنوع شرایط آب و هوایی باعث تنوع زندگی اجتماعی می‌گردد.

۴. **باورها و اعتقادات:** هرچند قسمت عمده باورهای مردم دینی است، اما پاره‌ای از باورها منشأ دینی ندارند یا منشأ دینی داشتن آن‌ها محل اختلاف و تشکیک است. مثلاً در بین هندوها مسئله تناسخ وجود دارد که الزاماً بحثی دینی نیست. ۵. **مهاجرت:** علم به این‌که افراد ساکن در این منطقه بومی هستند یا مهاجرت کرده‌اند و به این منطقه آمده‌اند برای فهم تاریخ اجتماعی آن منطقه بسیار مهم است، مثل بومی یا مهاجر بودن فاطمیان مصر یا وجود قطعه‌ای منحصر به فرد که از مختصات هنری یک منطقه جغرافیایی خاص است، در منطقه‌ای دیگر می‌تواند حاکی از مهاجرت (اختیاری یا اجباری) هنرمندان و ساکنان آن منطقه به منطقه جدید و تولید آن قطعات هنری در مکان فعلی باشد.

۶. **کارکردهای اجتماعی نهادهای غیر اجتماعی:** مثل اقتصاد، سیاست و.... هیچ نهاد اجتماعی نیست که بتواند تنها در محدوده خودش باقی بماند، بلکه تأثیری بر دیگر نهادها و مناطق اطراف خودش خواهد داشت.

۷. **نظام ارتباطی:** آسان بودن ارتباط عامه مردم با عالمان و دانشمندان باعث شیوع اندیشه‌ها و شکوفا شدن آن‌ها می‌شود، اما عدم ارتباط عالمان و دانشمندان با مردم (مثل رابطه ائمه علیهم‌السلام با مردم که در غالب اوقات محدود بود) باعث ایجاد و شیوع انگیزه‌های افراطی، تفریطی و... خواهد شد. پس نظام تولید، توزیع و دریافت پیام یکی از وجوه اثرگذار بر زندگی اجتماعی است که می‌توان به جرئت گفت فهم زندگی اجتماعی مکانی بدون توجه به چگونگی تولید، توزیع

و دریافت پیام، ممکن نیست. مسئله نظام ارتباطی و ارتقا یا کاستی‌های آن، به خصوص در جوامع اسلامی اثر خود را بسیار واضح‌تر نشان می‌دهد.

۸. حوادث مهم طبیعی و غیر طبیعی: مثل زلزله، سیل، طوفان و جنگ. گاه پس از یک زلزله شدید تمام الگوهای معماری به یک باره کاملاً دگرگون و باعث ایجاد تحول در زندگی می‌شود یا پس از جنگ با ورود قوم غالب به درون قوم مغلوب، الفاظ، هنجارها، مناصب و حتی گاه بازی‌ها تغییر می‌یابد. البته این عوامل در همه جا یک‌سان وجود ندارد، بلکه یک عامل در جایی بسیار اثرگذار است و در جایی دیگر اصلاً اثری ندارد یا اثر آن بسیار کم است.

(ب) مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی

برخی از این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

۱. سبک زندگی: مراد الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است. مؤلفه‌های سبک زندگی به اختصار عبارت‌اند از: ۱. شیوه تغذیه (شامل نوع غذاهای مصرفی و مواد به کاررفته در آن، شیوه نگهداری مواد غذایی یا غذای خاص یک منطقه) ۲. خودآرایی (پوشاک، مد و...) ۳. نوع مسکن (شامل معماری، دکور، اثاثیه و...) ۴. وسائل حمل و نقل ۵. شیوه‌های استفاده از اوقات فراغت ۶. رفتارهای اجتماعی (منظور رفتارهایی است که انسان برای بیان احساسات، عواطف و... انجام می‌دهد).
۲. نمادهای غیر زبانی: یعنی نشانه‌هایی که پیامی را به دیگری منتقل می‌کند. نمونه‌هایی از نمادهای غیر زبانی عبارت‌اند از: پرچم، لباس و ابزارهای اطلاع‌رسانی مثل طبل، شیپور و... در این مقوله آن‌چه یک قوم ابداع می‌کند حائز اهمیت است، مثل کلاه (یا عمامه) ابداعی - اختصاصی قزلباش‌ها که دوازده گره داشته است.
۳. نمادهای زبانی: این مؤلفه خود شامل دو قسم کتبی و شفاهی است. نمادهای زبانی کتبی، مثل متن کتیبه‌ها، نوشته روی سنگ قبرها، مقبره‌ها، سکه‌ها و...

نمادهای شفاهی، مانند ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، اسطوره‌ها، الفاظ وارداتی و تکه کلام‌هایی که در مدت کوتاهی رواج پیدا می‌کند. اطلاعات شفاهی مربوط به تاریخ اجتماعی در مقایسه با نمادهای کتبی، بیشتر است، زیرا گوینده، اولاً: چون در تحولات حضور داشته یا با واسطه آن را نقل می‌کند و مهارتی در تاریخ‌نگاری ندارد آن‌چه دیده و فهمیده است بیان می‌کند و سعی می‌کند فضا را به گونه‌ای ترسیم کند تا شنونده خوب آن را بفهمد. ثانیاً: سطح فکری جامعه آن زمان را روشن می‌سازد. ثالثاً: بیان‌کننده سطح مشارکت مردم در وقایع است و.... در مؤلفه شفاهی هرچه گوینده در رده‌های پایین‌تر و دورتر از چهره‌های اصلی باشد، بهتر می‌تواند ما را به تاریخ اجتماعی خود برساند.

۴. آداب و رسوم: مثل جشن‌ها، عزاداری‌ها، بازی‌ها، مراسم مراحل مختلف زندگی انسان، مانند تولد، ختنه کردن، مدرسه، جشن تولد، ازدواج و مرگ. هم‌چنین در این بخش می‌توان به آداب پزشکی متداول میان شیعیان اشاره نمود، به عنوان مثال، توسل به اولیا، زیارت و نذر برای شفا گرفتن.

۵. حرفه‌ها و مشاغل: برخی حرفه‌ها و مشاغل، خاص هستند؛ بدین معنا که گاه متعلق به جغرافیای خاصی می‌شوند یا اعتقادات دینی مردم منطقه‌ای باعث ایجاد حرفه‌ای خاص می‌شود که در دیگر نقاط دنیا دیده نمی‌شود. این حرفه و وسایل مرتبط با آن از ویژگی‌های یک منطقه یا مربوط به برهه‌ای خاص از زمان است. به عنوان مثال، هنر، حرفه و مهندسی ساخت قلعه روی کوه‌های صعب‌العبور در برهه‌ای خاص توسط اسماعیلیان ایران انجام می‌شد.

۶. فضای کالبدی شهری: نوع پراکندگی خانه‌ها، اماکن، کارگاه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز دولتی و حکومتی، مساجد و... و این‌که در کجای شهر قرار گرفته‌اند در شناخت تاریخ اجتماعی یک منطقه بسیار حائز اهمیت است. به عنوان مثال، آن‌چه در بازارهای قدیمی جلب توجه می‌کند وجود اماکنی، همچون مسجد، مدارس علمیه و حمام در آن‌هاست که در بناهای جدید این اماکن وجود ندارد.

۷. نهاد خانواده: این نهاد یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در دنیا و به‌ویژه بین

مسلمانان می‌باشد و از قداست خاصی برخوردار است. بحث حساسیت نسبت به ناموس یکی از ویژگی‌های بارز این مؤلفه است. آداب خاص برخی مناطق یا خانواده‌ها در مراسم خواستگاری، عقد و ازدواج، گاه از ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها به شمار می‌آید و آن‌ها را از سایرین متمایز می‌نماید. هم‌چنین اهتمام برخی ادیان یا مذاهب، مثل تشیع به برگزاری مراسم‌های مربوط به ازدواج در اماکن، مثل حرم ائمه علیهم‌السلام یا شهر مدینه منوره یا زمان‌های خاص، مثل ایام ولادت معصومان علیهم‌السلام و اعیاد شعبانیه و غدیر، قابل توجه می‌باشد.

یادآوری این نکته، ضروری است که در مواردی، از آداب یا سنت‌های مرسوم میان شیعیان یاد می‌کنیم که زمان آن مربوط به اواخر قرن هشتم یا نیمه دوم قرن نهم می‌باشد که در این گونه موارد نباید اشکال شود که این مسئله مربوط به نیمه نخست قرن نهم نیست، چرا که یک رسم و عادت اجتماعی مثل یک جشن یا یک بازی یا یک حرفه و صنعت، معمولاً برای سال‌های متمادی باقی می‌ماند، مگر این که اتفاق بزرگی، مثل جنگ، زلزله یا... رخ دهد که آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

اکنون پس از معرفی اجمالی عوامل و مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی، بحث تفصیلی تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری را آغاز می‌کنیم.

عوامل شکل‌گیری تاریخ اجتماعی شیعیان ایران

۱. نژاد طبقه حاکم در این دوره

تاریخ اجتماعی این دوره از تاریخ، مقارن است با دوره حکومتی تیموریان. تیمور مؤسس این سلسله در شهر کَش (به معنای شهر سبز) در نزدیکی سمرقند به دنیا آمد و دوران کودکی و احتمالاً نوجوانی خود را در آن‌جا سپری کرد. نژاد تیموریان «قراوناس» نام داشت. این اصطلاح در مورد مغولانی به کار می‌رفت که نژاد مختلط (مغولان ترک‌زاده) داشته و در منطقه مرزی هند و ایران زندگی می‌کردند.^۱

۱. رویمر، «تیمور در ایران»، تاریخ ایران دوره تیموریان، ص ۵۲-۵۳.

۲. دین - مذهب تشیع و تطبیق‌پذیری آن با هنجارهای مختلف

تیموریان زمانی حکومت را در دست گرفتند که وضع اجتماعی - مذهبی شهرهای مهم ایران، به نفع شیعیان گرایش یافته بود و مسلماً آنان ناگزیر از توجه به شیعیان و مظاهر و شعائر مذهبی آنان بودند. تیموریان در ابتدای ورود به ایران با حرکت‌هایی از طرف برخی شیعیان روبه‌رو شدند که هرچند به پیروزی شیعه و عقب‌نشینی تیموریان نینجامید، اما نشانه‌ای از روحیه ظلم‌ستیزانه شیعیان بود^۱ و در شکل‌گیری برخوردهای بعدی تیمور مؤثر واقع شد و تیمور را به انعطاف و ملایمت و مدارا با آنان واداشت. به عنوان نمونه، می‌توان به اهدای کتاب عمده الطالب تألیف ابن عنبه که در مورد شیعیان و علویان نوشته شده بود و به تیمور اهدا گردید، اشاره کرد. این نوشته از نظر موضوع و تقدیم آن به تیمور، اهمیت دارد. جرئت اهدای کتابی با موضوع شیعیان و پذیرفته شدن آن توسط تیمور، خود گواهی بر وضع سیاسی - مذهبی دوره تیمور و رشد، اعتبار، نفوذ و آزادی شیعیان می‌باشد،^۲ هم‌چنان‌که نشان دهنده آن است که تیمور مجبور به پذیرش و احترام شیعیان بوده است.^۳

از طرف دیگر، شیعیان نیز بر حفظ موقعیت سیاسی - مذهبی به دست آمده پای می‌فشردند و در مواردی نیز روی خوش به تیمور و تیموریان نشان می‌دادند، چنان‌که سربداران به لشکریان تیمور پیوستند و قابلیت‌هایی که از خود نشان دادند،

۱. رک: کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، ج ۱ از دفتر ۲، ص ۶۵۳-۶۵۴ و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تاریخ طبرستان، ص ۲۵۸.

۲. با دقت در برخوردهای اولیه تیمور با شیعیان این مسئله بیشتر روشن می‌گردد. طبق نقل کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، پس از آن‌که تیمور موفق به شکست حصار قلعه «ماهانه سر» شد ابتدا دو تن از بزرگان آنان به نام‌های سید کمال‌الدین و سید رضی‌الدین و فرزندان آنان بیرون آمدند. در ابتدای ملاقات به واسطه عقاید بدی (تشیع) که به ایشان نسبت می‌دادند، امیر تیمور سخن‌های درشت به آنان گفت و... سپس به آنان فرمود: می‌باید معتقدات پدران‌شان را ترک کرده، بر طریقت سنت و جماعت زندگانی کنند. اما برخورد تیمور با دیگر شیعیان این قلعه چنین نبود، بلکه دستور داد که تمامی آنان را از دم تیغ گذرانند (مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، ج ۱ از دفتر ۲، ص ۶۵۴-۶۵۵).

۳. پروین ترکمنی‌آذر، تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران، ص ۳۱۰.

موجب توجه و اعتنای ویژه وی به آنان شد.^۱ علاوه بر این، هنگامی که سپاهیان تیمور به نواحی مرکز تا جنوب ایران هجوم بردند، امیر مجدالدین مظفرکاشی که از طرف سلطان زین العابدین مظفری (خواهرزاده خود) فرمانروای اصفهان و کاشان بود در بدو ورود سپاهیان این مهاجم تازه نفس با حسن سیاست و زیرکی، از قتل و غارت آن‌ها جلوگیری کرد. هرچند که بعدها بر اثر تجاوزات تاتارها، مردم (سنی مسلک) اصفهان به جان آمده و آن‌ها دست به گریبان شدند و لشکریان تیمور نیز با قتل عام وحشیانه شورش را در هم شکستند، ولی شیعیان کاشان در این مرحله از مخاطرات برکنار و سالم ماندند.^۲ هم چنین خواندمیر از استقبال شیعیان از حکومت تیمور خبر می دهد و می نویسد:

سادات عظام واجب الاحترام، مانند افتخار اولاد خیرالانام سید برکه و قدوه احفاد ائمه اثنی عشر خان زاده ابوالمعالی و... از اشراف و اعیان طوائف انسانی که در قبة الاسلام بلخ مجتمع بودند بر سلطنت آن امیر کشورگیر اتفاق نمودند.^۳

شیعیان در این برهه در مواردی نقش شفاعت کننده و تعدیل کننده ظلم تیموریان را نیز بر عهده داشتند. به گزارش میرخواند، در حمله تیمور به کرمان سلطان اویس و مردم از امیر شمس الدین بمی که از شیعیان بود، خواستند تا به اردوی تیمور رفته، از آنان شفاعت نماید. او چنان کرد و برای مردم کرمان امان گرفت.^۴

۳. نظام ارتباطی و نمادهای زبانی

حضور شاعران نامور در قرن نهم در شهرهای نیشابور و سبزوار باعث گسترش تشیع در این مناطق شد. شاعران و اشعار آن‌ها از ابزارهای مهم تبلیغاتی در عصرهای گذشته به حساب می آمد. باکمی اغماض می توان شاعران آن زمان را به رسانه های عمومی امروز تشبیه کرد که نفوذ زیادی داشتند و حوزه ارتباطی شان گسترده بود.

۱. ر.ک: رویمر، «تیمور در ایران»، تاریخ ایران دوره تیموریان، ص ۱۰۲.

۲. حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۷۱.

۳. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، ج ۳، ص ۴۱۹.

۴. میرخواند، روضة الصفا، ج ۶، ص ۶۳۷.

شیخ فخرالدین حمزة بن علی بیهقی، متخلص به آذری، یکی از مشاهیر مشایخ و بزرگان شعرای قرن نهم به شمار می آید. قاضی نورالله شوشتری در مورد وی می نویسد: «اکثر قصیده های دیوان شیخ در مناقب اهل بیت علیهم السلام واقع شده است».^۱ یکی دیگر از شاعران قرن نهم، شمس الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری^۲ بوده است. وی در مناقب ائمه علیهم السلام، مصائب شهدای کربلا و نیز به صورت موعظه، اشعاری سروده است.^۳

۴. حوادث غیر طبیعی

عامل جنگ

تیمور و سپاهیان وی به برخی از شهرهای شیعه نشین قرن نهم هجوم بردند که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود. نکته قابل توجه در تمامی این شهرها عمق ویرانی و فجایع انسانی آن ها است.

قم: شهر قم به دلیل مقاومت در برابر حمله تیمور در آستانه نیمه نخست قرن نهم هجری چنان ویران شد که آثار آن نه تنها در طول این قرن، بلکه تا اواخر قرن دهم نیز باقی بوده است. فیض در کتاب خود ضمن اشاره به این واقعه و هم چنین قتل عام انجام شده توسط تیمور می نویسد:

تیمور که خود را اهل فضل و کمال می پنداشت مردم قم را مستوجب قتل می انگاشت، علاوه در یورش های خویش چون با مقاومت مردم مواجه می گردید پس از تسخیر آن شهر به قتل عام می پرداخت که از این جهت هم اهل قم را طبق معمول خود، لازم السیاسه می دانست، زیرا مردم قم دروازه ها را بر روی تیموریان ببستند و به حصارداری پرداختند، پس فرمان داد تا در پناه خرک ها نقب هایی تا زیر بارو بزدند و آن ها را از باروت پر ساخته منفجر کردند و قسمتی از باره را منهدم گردانید. پس به شهر درآمده به استثنای دانشمندان و هنرمندان، به

۱. دولتشاه سمرقندی، تذکرة الشعراء، ص ۳۰۰.

۲. برخی او را محمد کاتبی ترشیزی می خوانند.

۳. دولتشاه سمرقندی، همان، ص ۲۸۸.

قتل عام بقیه مردم پرداخت. جان کارترایت سیاح انگلیسی که در سال ۱۶۰۰ میلادی (حدود ۹۸۴ق) قم را دیدار کرده در یادداشت‌های خود می‌نویسد در اثر ویرانی‌هایی که تیمور لنگ به جای گذاشته است این شهر زیبا تقریباً تا نصف مساحت واقعی خود کوچک شده است.^۱

به فاصله چند سال پس از این واقعه، بار دیگر شهر قم توسط تیموریان و این بار توسط اسکندر، فرزند عمر شیخ و نوه تیمور مورد هجوم قرار گرفت. اسکندر بارها به قم لشکر کشید، حتی یک بار به مدت دو سال قم را در محاصره خود داشت،^۲ ولی هر بار با مقاومت مردم و فرمانروای این شهر به نام خواجه محمد قمی روبه‌رو شده، بدون دست‌یابی به نتیجه‌ای عقب می‌نشست. سرانجام با خیانت یکی از معتمدین خواجه محمد قمی به نام مظفر فراهانی این شهر در سال ۸۱۵ق سقوط کرد و به دست اسکندر تیموری افتاد و اموال بسیاری را از این شهر به غارت بردند.^۳

کرمان و اصفهان: این دو شهر نیز در سال ۸۱۶ق به سبب حمله‌های شاهرخ متحمل خرابی‌های زیادی شد.^۴

ری: از جمله شهرهای شیعه‌نشین که در اثر حمله تیمور ویران شد می‌توان به شهر ری اشاره کرد. ری که در آن زمان شهری بزرگ و آباد بوده و نواحی اطراف آن نیز به نام ری خوانده می‌شد، توسط تیمور به کلی ویران و اهالی آن متواری یا کشته شدند و به شهری متروک تبدیل گردید. کلاویخو^۵ در این باره می‌نویسد:

از تهران به راه افتادیم و پس از پیمودن دو فرسخ در جانب راست، بناهای شهری عظیم را دیدیم که متروک مانده و ویران گشته بود. این، آثار همان شهر ری است.^۶

۱. فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۲. سیدحسین مدرسی طباطبائی، قم نامه، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۲۹-۳۳.

۴. رویمر، «جانشینان تیمور»، تاریخ ایران دوره تیموریان، ص ۱۱۲.

۵. سفیر (و جهانگرد) دربار پادشاه اسپانیا به دربار تیمور.

۶. کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ص ۱۷۶.

کاشان: هرچند شهر کاشان از حمله، تخریب و قتل عام تیموریان در امان ماند، اما پس از رفتن سپاهیان تیمور، امیران محلی به نام‌های شاه منصور و سلطان زین‌العابدین به جان هم افتادند و آتش جنگ میان آنان شعله‌ور و دامن‌گیر شهر و مردم کاشان شد. این جنگ به شدت تمام ادامه یافت تا آن‌که شهر به دست شاه منصور افتاد.^۱

مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان ایران

۱. حرفه‌ها و مشاغل

الف - تولید پارچه

در زمان حکومت تیمور هرگاه شهری شورش می‌کرد لشکریان وی قتل عام وسیعی را در آن به راه می‌انداختند. این قاعده فقط در چند مورد استثنا شده است که شهر یزد یکی از آنهاست. این شهر پس از شورش توانست از انعطاف تیمور بهره‌گیرد و تیمور دستور داد نه شهر را غارت کنند و نه مالی از آنان بگیرند و حتی مالیاتی را که بر اهالی شهر بسته بودند به مدت دو سال بخشید. برخی علت انعطاف تیمور با اهالی یزد و نجات آنان را از قتل عام، به حرفه و شغل آنان ربط داده و نوشته‌اند: «یزد مرکز تولید منسوجات بود و تیمور به صنایع آنان احتیاج داشت».^۲

ب - کاشی‌کاری و معرق‌کاری، حرفه و تبلیغ تشیع

قم: شغل کاشی‌کاری که علاوه بر جنبه حرفه‌ای و شغلی، ابزار تبلیغاتی نیز به شمار می‌رفت، در این قرن وجود داشته است. در این راستا می‌توان به کاشی‌کاری‌های موجود در امام‌زاده ابراهیم که تاریخ ۸۰۵ ق روی آن‌ها نصب شده، اشاره نمود.^۳

۱. حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۷۴.

۲. رویمر، «تیمور در ایران»، تاریخ ایران دوره تیموریان، ص ۶۵ - ۶۶. از دیگر شهرهایی که در این دوره صاحب چنین صنعتی بودند می‌توان به اصفهان، کاشان و تبریز اشاره نمود. دکتر زکی محمد حسن معتقد به صادر شدن منسوجات این شهرها به اطراف و اکناف عالم اسلامی است، ر.ک: زکی محمد حسن، صنایع ایران بعد از اسلام، ص ۲۳۹.

۳. سیدحسین مدرسی طباطبایی، تربت پاکان، ج ۲، ص ۷۴.

یزد: از مشاغل شیعیان این شهر در این دوره می‌توان به معرق‌کاری اشاره کرد. کاشی‌های معرق که به صورت یک کتیبه و به سال ۸۳۷ق در بقعه یکی از امام‌زاده‌های یزد به نام ابوجعفر محمد بن علی (از سادات عریضی) نصب شده و کتیبه معرق دیگری شامل اسامی دوازده امام که در ایوان اصلی مسجد جامع یزد به تاریخ ۸۳۶ق نصب گردیده،^۱ نشانه وجود چنین شغلی در آن زمان در شهر یزد می‌باشد.

قزوین: صندوق مثبت‌کاری شده به تاریخ ۸۰۶ق روی قبر امام‌زاده حسین در قزوین نشان دهنده وجود چنین شغلی بین شیعیان (ساکن در این شهر یا دیگر نقاط ایران) در قرن نهم است. این صندوق بنابر آن‌چه در کتیبه بدنه شرقی آن (پایین پا) دیده می‌شود توسط دو برادر به نام‌های استاد علی و استاد بایزید، فرزندان بابا خواجه تبریزی ساخته شده است.^۲

ج - تجارت منسوجات دستی و پارچه

آمبروسیو کنتارینی، سفیر ونیز به دربار اوزون حسن که اندکی پس از نیمه نخست قرن نهم هجری از شهرهای شیعه‌نشین قم و کاشان عبور کرده، درباره این دو شهر می‌نویسد: قم شهر کوچک، ولی زیبایی است که در دشتی قرار گرفته و به وسیله دیوارهای گلی محصور شده است. همه چیز به حد وفور در آن یافت می‌شود و دارای بازارهای خوبی است که مرکز داد و ستد فرآورده‌های دستی و فاستونی‌های آن است... کاشان (هم) دارای حصار و بازارهایی شبیه قم بود، ولی روی هم رفته از قم بهتر بود.^۳

با توجه به نزدیکی زمان عبور وی از این دو شهر شیعه‌نشین با نیمه نخست قرن نهم و با ضمیمه کردن این مقدمه که یک شهر به یک باره به مرکز تجاری

۱. همان، ص ۷۴۳.

۲. همو، برگه از تاریخ قزوین، ص ۴۲.

۳. سفرنامه آمبروسیو کنتارینی، ص ۳۸.

تبدیل نمی شود، می توان مرکز تجارت منسوجات بودن شهر قم را در این برهه از زمان نتیجه گرفت.

د- سفال سازی

شهرهای شیعه نشین ری و کاشان در قرن نهم از مراکز بزرگ سفال سازی بوده اند. بزرگی و گستردگی کار آنان تا بدان جاست که برخی نویسندگان خارجی مدعی شهرت آن ها در سرتاسر کشورهای شرقی اسلامی شده اند. این شهرت تنها مربوط به چند سال یا چند دهه نبوده، بلکه قرن های ششم تا نهم هجری را دربرگرفته و پس از آن نیز تا قرن یازدهم به طور نسبی ادامه یافته است. محصول کارخانه های این دو شهر شیعی به حدی زیاد بوده است که ظرف های سفالین آن ها در دست رس طبقات مختلف جامعه بوده و همه از آن ها استفاده می کرده اند.^۱ زکی محمد حسن می نویسد:

شهر کاشان در تاریخ صنایع خرف سازی و سفال کاری ایران مقامی خیلی ارجمندتر از آن را که اخیراً مورخین فنون صنایع اسلامی برای آن قائل شده اند دارد.... خلاصه آن که شهر کاشان یکی از مراکز بسیار مهم صنعت خرف سازی^۲ بود و در قرن های ششم و هشتم هجری شهرت کارخانه های این شهر سراسر کشورهای شرقی اسلامی را فراگرفته و حتی در قرن نهم هجری هم آن شهرت و مقام را از دست نداد و بهترین گواه ما در باقی ماندن شهرت صنعتی کاشان تا قرن نهم، وجود آجری از کاشی است که فعلاً در موزه متروپولیتان نگهداری می شود.^۳

از سخنان پروفیسور پوپ، محقق و دانشمند امریکایی نیز می توان رقابت تنگاتنگ دو شهر شیعی ری و کاشان را در قرن نهم در صنعت سفال سازی استفاده نمود. وی می نویسد:

۱. زکی محمد حسن، صنایع ایران بعد از اسلام، ص ۲۱۴.

۲. به فارسی آن را سفال گویند (لغتنامه دهخدا، ج ۲۱، ۵۱۷-۵۱۸).

۳. زکی محمد حسن، همان، ص ۲۰۴ و ۲۱۰.

برخلاف تصور عموم، مرکز سفال‌سازی ایران کاشان بوده نه ری. کاشان از قرن پنجم تا قرن یازدهم پایتخت این هنر شمرده می‌شد. تیلۀ شکسته‌هایی که در آن جا به دست آمده، لااقل پنج برابر جاهای دیگر است و این خود کثرت تولید صنعت سفال‌سازی را در آن شهر ثابت می‌کند.^۱

۵- فرش‌بافی

صنعت فرش‌بافی در ایران از زمان سلاجقه آغاز شد و با رواج آن در بسیاری از شهرها در قرن نهم هجری دوران جوانی خود را تجربه می‌نمود. بهترین انواع قالی ایران در چند شهر، از جمله شهرهای شیعه‌نشین قم و کاشان بافته و صادر می‌شد.^۲

۲. سبک زندگی

الف- تغذیه

کلاویخو، سفیر مسیحی کشور اسپانیا در دربار تیمور، درباره تغذیه مردم خراسان تا سمرقند که شامل مناطق شیعه‌نشین مشهد و اطراف آن نیز می‌گردد، به چگونگی نگهداری خاص و بسیار جالب خربزه اشاره می‌کند. از کلام وی می‌توان علاقه مردم به این محصول کشاورزی و در نتیجه، تولید بسیار زیاد آن توسط کشاورزان آن زمان را به دست آورد. وی می‌نویسد:

خربزه در این سرزمین بسیار زیاد و خوب است و در فصل عید میلاد خربزه و انگور فراوان و بسیار مرغوب است. هر روز شتران با بارهای خربزه از اطراف می‌رسند و به راستی مایه شگفتی است که چه مقدار از آن در بازار فروخته و مصرف می‌شود. در همه روستاهای پیرامون شهر، خربزه به قدری فراوان است که در فصل به خصوصی آن را خشک می‌کنند و مانند انجیر یک سال نگه می‌دارند و به کار می‌برند. خربزه را بدین گونه خشک می‌کنند: آن را پاره پاره و به قاچ‌های بزرگ تقسیم می‌کنند و پوست آن را می‌گیرند و آن‌گاه

۱. حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۲۰۰.

۲. زکی محمد حسن، صنایع ایران بعد از اسلام، ص ۱۵۶.

در جلوی آفتاب می‌گذارند تا خشک شود. به مجرد آن‌که این تکه‌ها کاملاً خشک شوند آن‌ها را به هم می‌بندند و در سبدهایی می‌گذارند و انبار می‌کنند و دوازده ماه نگاه می‌دارند.^۱

ب - سرپوشی خاص مردان خراسان

کلاویخو در مورد سرپوش مردان خراسان می‌نویسد: ایرانیان این حدود، دستاری را که با پیچیدن و تاب دادن تکه‌ای پارچه می‌سازند، بر سر می‌گذارند؛^۲ چیزی شبیه عمامه که هم‌اکنون نیز بین قدیمی‌های خراسان مرسوم است.

ج - چگونگی پوشش زنان در جشن‌ها

با توجه به گرایش برخی از خاندان تیمور به تشیع می‌توان بحث «پوشش زنان و شاه‌زادگان تیموری» را به عنوان بخشی از جامعه شیعه آن زمان مطرح کرد. کلاویخو در مواردی^۳ به چگونگی پوشش زنان شاه اشاره کرده و در یک مورد به تفصیل درباره آن می‌نویسد:

چون مراسم برای جشن [عروسی یکی از شاه‌زادگان] آماده شد، دیدیم زن بزرگ اعلی حضرت از یکی از حصارهای نزدیک که در کنار غرفه شاهی قرار داشت، آمد. جامه‌ها و آرایش او به این شیوه بود:

جامه روی او از پرند سرخ زردوزی شده و بسیار گشاد و با دامنی بلند بود که بر زمین می‌کشید. این جامه بی‌آستین بود و تنها روزنه‌ای که داشت همان بود که سرش را از آن بیرون کرده بود و نیز دو سوراخی که از آن‌ها بازوانش بیرون می‌آمد.

یقه پیراهنش تا بالا بسته بود. پیراهن او پیش‌سینه جدا نداشت و دامن وی فوق‌العاده پهن و عریض بود و دنباله آن را پانزده خانمی که ملازم او بودند

۱. سفرنامه کلاویخو، ص ۲۸۳.

۲. همان، ص ۱۹۵.

۳. به عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۲۷۳.

می‌کشیدند تا او بتواند راه برود. چهره‌خانم کاملاً با سفیداب سرب یا چیزی مانند آن آرایش شده بود و چنان می‌نمود که گمان می‌کردی بر چهره، نقابی سفید دارد... بقیه قسمت‌های سرش شباهت بسیار به «کلاه خود» داشت از آن گونه «خودهایی» که ما مردان به هنگام نیزه‌بازی در میدان می‌پوشیم منتها این «خود» او از پارچه سرخ و دو کنار آن بر روی شانه‌هایش افتاده بود. قسمت پشت «خود» او بسیار بلند و با مرواریدهای گرد بسیاری که همه از مرواریدهای خوب شرق بودند، آرایش گشته بود و نیز بر آن، «سنگ‌های گران‌بها»، «لعل بدخشان» و «فیروزه» با سلیقه‌های بسیار دوخته بودند. لبه‌های این سرپوش با نخ زری، گلدوزی شده بود و بر گرد آن «تاج‌گلی» نهاده بودند از زرب‌ناب که با مرواریدهای درشت و گوهرهای گران‌بها آرایش گشته بود. از این‌ها گذشته، بر نوک این «روسری یا خود» برجستگی بود که بر آن سه لعل بدخشان که هر یک به درشتی دو بند انگشت بودند و رنگ روشنی داشتند و در نور می‌درخشیدند، کار گذاشته بودند. بالای آن‌ها پر سفیدی به بلندی یک گز گذاشته بودند. این پر، چنان به پایین خم گشته بود که برخی از قسمت‌های آن روی او را تا پایین دیدگانش می‌پوشاند. این پر با مفتول زرین به هم استوار گشته و در نوک آن دسته‌ای از پر بود که با مروارید و سنگ‌های گران‌بها آراسته شده بود.

ضمن پیش آمدن او این روسری موج می‌زد و پس و پیش می‌رفت. گیسوان وی هم چنان آشفته بر شانه‌هایش ریخته بود. رنگ گیسوان وی بسیار سیاه بود، زیرا این رنگی است که نزد آنان بسیار احترام دارد. به دیده آنان موی سیاه از هر موی دیگر زیباتر است و زنان گیسوان خود را رنگ می‌کنند تا سیاه بشود. برای نگهداری این سرپوش و دیگر آرایش‌های سنگین، گروهی از زن‌های ملازم وی در کنارش راه می‌پیمودند و برخی دست خویش را بلند کرده و بر آن روسری نهاده بودند... آن‌گاه زنان دیگر اعلی‌حضرت (و همسر نوه او) با همان آداب و همان ظواهر آمدند.^۱

نتایج و تحلیل این گزارش را می‌توان بدین صورت ارائه نمود:

۱. وجود حرفه زردوزی و آشنایی مردان و زنان این منطقه با هنر دوخت زیورآلات و سنگ‌های گران‌بها بر روی لباس‌ها؛
۲. استفاده از وسایل آرایشی و هم‌چنین وجود حرفه تولید آن‌ها در این منطقه جغرافیایی؛
۳. استفاده زنان آن دوران از وسایل آرایشی که البته با توجه به موقعیت اجتماعی آنان مقدار و نوع کالای آرایشی یقیناً متفاوت بوده است؛
۴. مرسوم بودن پوشیدن دامن‌های بلند که قطعاً بلندی آن با توجه به موقعیت اجتماعی، تغییر می‌کرده؛
۵. استفاده از رنگ مو و تولید آن.

د- مهمان‌نوازی

کلاویخو در مورد مهمان‌نوازی ایرانیان و با توجه به عبور وی از شهرهای شیعه‌نشین سبزوار، تبریز، نیشابور و مشهد می‌نویسد:

در این کشور، رسم چنین است که در هر منزل سفر، اعم از ده یا شهر به مجرد رسیدن ما فوراً خوراک برای ما و همراهان بیاورند. بنابر این رسم، میوه برای ما و جو برای دواب ما سه برابر بیش از آن‌چه نیاز ما بود می‌آوردند.^۱

وی در جای دیگر می‌نویسد:

مردم شهر به خوبی از ما پذیرایی کردند و آن‌چه نیاز ما بود به فراوانی به ما دادند؛ به راستی که این عادت و رسم در همه جای این سرزمین برین جاری است.^۲

۳. نمادهای غیر زبانی

الف - ضریح طلا و نقره‌کاری شده امام رضا علیه السلام

اهتمام شیعیان به ساخت ضریح مرقد امام هشتم از طلا و نقره را که هم‌اکنون نیز

۱. همان، ص ۱۹۴.

۲. همان، ص ۳۰۴.

مرسوم است، می‌توان در آن زمان نیز اثبات نمود. کلاویخو در این باره می‌نویسد: «وی (امام رضا علیه السلام)... در تابوتی که در نقره و طلا گرفته شده است، مدفون است».^۱ جالب آن‌که کلاویخو تصور می‌کرده قبری که در وسط ضریح قرار دارد، تابوت امام رضا علیه السلام می‌باشد.

از مطالب یاد شده می‌توان وجود منابع مالی تأمین‌کننده هزینه‌های ساخت ضریح، اعم از هدایا، نذورات و موقوفات را به دست آورد. هم‌چنین وجود حرفه‌های قالب‌ریزی، ساخت ضریح، طلاکاری، نقره‌سازی و ساخت خشت‌های طلا (جهت نمakاری گنبد) در این عصر را می‌توان نتیجه گرفت.

ب- ردیه‌نویسی

شاید بتوان ردیه‌نویسی را نیز از مؤلفه‌ها و جزء نمادهای کتبی به شمار آورد. از جمله کتاب‌های ردیه‌ای که در این قرن نوشته شده می‌توان به *الانوار البدریه فی رد شبه القدريه* اشاره کرد که توسط عزالدین حسن بن شمس‌الدین محمد بن علی مهلبی حلبی نوشته شده است.^۲

۴. فضای کالبدی شهر

با توجه به فضای کالبدی شهر اصفهان و استفاده از بحث: اماکن و مسائل متأثر از آموزه‌های دینی مثل حسینیه و کنار هم قرار گرفتن این مکان با مساجد و مدارس می‌توان وجود شیعیان و اماکن شیعی و وجود الگوی رفتار جمعی بین آنان را در محدوده‌های مرکزی شهر اصفهان نتیجه گرفت. مسائل فوق از عبارتی که در مورد زندگی و محل سکونت شاه علاء‌الدین محمد (مقتول به سال ۸۵۰ق) نقل شده به دست می‌آید. هم‌چنین می‌توان «نظام ارتباطی شیعیان» آن دوره با حاکمان از طریق «نقبا» را استنتاج نمود. در این باره نوشته‌اند:

۱. همان، ص ۱۹۲.

۲. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ج ۲، ص ۷۹۹ به نقل از: *موقف الشيعة من هجمات الخصوم*، ص ۳۸.

در مجاورت مسجد جامع، بقعه‌ای مشرف به حسینیه و مدرسه است به نام بقعه شهشهان که نخست، محل اقامت شخصی عارف بوده که برخوردار از مقام نقابت بوده است.^۱

۵. تعامل شیعیان با حاکمان

الف - کاشان

ارتباط شیعیان کاشان با دستگاه حکومتی تیموریان در عهد تیمور و شاهرخ را می‌توان به خوبی ارزیابی کرد، چنان‌که آورده‌اند: تیمور و سپاهیان‌ش متعرض شهر کاشان نشدند ولی در اصفهان قتل‌عام کردند.^۲ هم‌چنین شاهرخ به دلیل تمایل اهالی کاشان به شخصی به نام رستم بهادر، حکومت کاشان را که در دستان الیاس نامی بود، از وی گرفته و به رستم بهادر واگذار کرد.^۳

همسر امیرجهانشان ترکمان قراقیونلو به نام بیگم، هنگام سفر به شیراز و عبور از کاشان به تعمیر و تزئین پاره‌ای از اماکن خیریه این شهر اقدام نمود و موقوفات فراوانی برای کارهای فرهنگی و امور خیریه پیش‌بینی کرد.^۴

ب - مشهد

شیلا اس. بلر و جان‌اتان ام. بلوم درباره شهر مشهد به نکاتی اشاره می‌کنند که حاکی از قدرت روزافزون شیعیان در نیمه اول قرن نهم هجری است و به همین علت است که شهر مشهد در این زمان تبدیل به مرکزی برای ارائه نوآوری‌های معماری می‌گردد. آن‌ها در این باره می‌نویسند:

شاهرخ، خراسان را بنا به خواست همسر قدرت‌مندش، یعنی گوهرشاد (م ۱۴۵۷ میلادی) مرکز نوآوری‌های معماری و بناهای جدید در نیمه اول سده پانزدهم

۱. فقیه ایمانی، تاریخ تشیع اصفهان از دهه سوم قرن اول تا پایان قرن دهم، ص ۳۳۶.

۲. حسن نراقی، تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۷۴.

۴. همان.

میلادی [و نهم هجری] قرار داد. برای خشنودی و آرام کردن شیعیان که روز به روز قدرتشان در ایران رو به افزایش بود، به دستور گوهرشاد حرم امام رضا علیه السلام در مشهد به صورت باشکوهی در سال‌های ۱۴۱۶ تا ۱۴۱۸ میلادی بازسازی و نوسازی شد...^۱

گوهرشاد، همسر شاه‌رخ که شاهد افزایش هر روزه زوار حرم امام رضا علیه السلام بود، دستور داد برای رفاه حال و اقامت آن‌ها، مسجد جامع بزرگی و دو تالار بزرگ محل اجتماع به نام‌های دارالسیاده (خانه سادات) و دارالحفاظ (خانه حافظان قرآن) در کنار آرامگاه امام رضا علیه السلام بنا کردند.^۲ ساخت این بنا دوازده سال به طول انجامید و سرانجام در سال ۸۲۱ ق و ۱۴۱۸ م به پایان رسید.^۳

۶. ارزش‌ها و رسم‌های مشترک میان شیعیان

الف - زیارت قبور ائمه علیهم السلام

کلاویخو که قبلاً از او یاد کردیم در این باره، مطالبی نوشته که موارد ذیل را می‌توان از آن به دست آورد:

- شیعیان در این عصر به صورت گسترده برای زیارت امام رضا علیه السلام به شهر مشهد می‌رفتند. - مراسم استقبال از زائران در آن زمان، رایج بوده به حدی که برای یک فرد غیر شیعه و حتی غیر مسلمان جلب توجه می‌کرده است.

- بوسیدن گوشه قبای زائران مشهد مقدس از رسوم رایج میان شیعیان آن زمان بوده است. - تعصبی برای جلوگیری از زیارت یا مشاهده قبر امام (نسبت به پیروان سایر ادیان) اعمال نمی‌شده است. این عدم تعصب، حتی در میان توده مردم نیز دیده می‌شد که به زائر قبر امام رضا علیه السلام احترام می‌گذاشتند، اگرچه آن زائر از پیروان دیگر ادیان باشد. - اوج قداست این مکان در اذهان ایرانیان را می‌توان از مطالب فوق نتیجه گرفت.

۱. شیلابلر و جان‌اتان بلوم، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانات و تیموریان، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. عبدالحی حبیبی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، ص ۹۳.

عبارت کلاویخو چنین است:

مشهد شهر عمده زیارتی همه این حوالی است و سالانه گروه بی شماری به زیارت آن می آیند. هر زائری که به آن جا رفته باشد، چون بازگردد، همسایگانش نزد او می آیند و لبه قبای او را می بوسند، چون دریافته اند که وی از زیارت چنین محل محترمی بازگشته است. چون به این شهر [مشهد] رسیدیم ما را برای زیارت این مکان مقدس و آرامگاه بردند. سپس چون در ایران راه می پیمودیم و بر سر زبان ها افتاده بود که ما به زیارت مشهد مشرف شده و آن مکان مقدس را دیده ایم، مردم همه می آمدند و لبه قبای ما را بوسه می زدند، به این بهانه که ما از گروهی هستیم که فیض زیارت مرقد و بارگاه قدیس بزرگ خراسان را درک کرده ایم.^۱

ب - سنت عزاداری

از جمله آداب اجتماعی شیعیان در آن دوره، مسئله عزاداری برای امام حسین علیه السلام است. در دوره حکومت سلسله تیموریان و به ویژه پس از مرگ تیمور، عزاداری برای امام حسین علیه السلام که میان اهل سنت نیز جا باز کرده بود، به تدریج گسترش یافت و حتی به دربار تیموریان نیز راه یافت.^۲ در این باره برخی نوشته اند:

برابر اسناد موجود، مراسم عزاداری از همان آغاز سلطنت، به ویژه در زمان یکی از مهم ترین آنان، یعنی شاهرخ میرزا (۸۱۰ - ۸۵۰ ق) به دربار سلاطین تیموری سنی مذهب راه یافت. شاهرخ میرزا و اسلاف وی افزون بر استماع سخنان سخنوران معروف، همچون شاه نعمت الله ولی (۷۳۰ - ۸۲۷ ق)، قاسم انوار تبریزی (م ۸۳۵ ق) ... و شرکت در جلسات سخنرانی، وعظ و مرثیه خوانی، مجالسی را به طور اختصاصی تشکیل داده، به عزاداری می پرداختند.^۳

۱. سفرنامه کلاویخو، ص ۱۹۲.

۲. ر.ک: مؤسسه شیعه شناسی، سنت عزاداری و منقبت خوانی در تاریخ شیعه امامیه، ص ۹۵.

۳. همان، ص ۱۰۴.

نتیجه

تاریخ اجتماعی شیعیان در نیمه نخست قرن نهم هجری مصادف است با حکومت مغولان ترک‌زاده‌ای که به تیموریان شهرت یافتند. هرچند برخوردهای اولیه آنان با شیعیان بسیار تند و همراه با قتل عام و تخریب شهرها بود، اما پس از گذشت چندی به انعطاف و ملایمت تبدیل شد. علل این تغییر رویه را می‌توان در موارد ذیل جست‌وجو نمود:

۱. تطبیق‌پذیری شیعیان با هنجارهای مختلف و استفاده مناسب از موقعیت‌های سیاسی محدود به وجود آمده؛
 ۲. پافشاری آنان بر حفظ آیین‌های خاص مذهب تشیع، همچون عزاداری و زیارت امام رضا (ع) در مشهد. شدت و اهتمام شیعیان بر حفظ این آیین‌ها را می‌توان از ساخته شدن مسجد گوهرشاد (برای رفاه حال و اقامت شیعیان) و بازسازی و نوسازی حرم مطهر توسط تیموریان به دست آورد. هم‌چنین برپایی مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) در دربار سلاطین تیموری، همچون شاهرخ میرزا (۸۱۰-۸۵۰ ق) از دیگر شواهد این مدعا است؛
 ۳. حضور دانشمندان، مشاهیر و شاعران نامور در این عصر. این دسته با استفاده از علم و شعر خود که ابزار مهم تبلیغاتی عصرهای گذشته به شمار می‌آمد، باعث گسترش و نفوذ تشیع در بین سایر مسلمانان و حتی تیموریان گردیدند؛
 ۴. در اختیار داشتن برخی از حرفه‌ها و مشاغل که مورد نیاز تیموریان بود یا به آن علاقه داشتند، همچون تولید منسوجات و تجارت آن‌ها و معماری.
- در مجموع می‌توان حرکت رو به رشد تشیع را در این دوران نتیجه گرفت؛ حرکتی که سرانجام با فراگیر شدن مذهب تشیع در ایران همراه بود.

منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، تاریخ طبرستان، تصحیح میترا مهرآبادی، چاپ اول: تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۳.

۲. بلر، شیل اس. ویلوم، جاناثان ام، هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانان و تیموریان، ترجمه محمد موسی هاشمی گلپایگانی، چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشار، ۱۳۸۲.
۳. ترکمنی آذر، پروین، تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران، تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۳.
۴. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲ و ۳، قم، انصاریان، ۱۳۷۵.
۵. حبیبی، عبدالحی، هنر عهد تیموریان و متفرعات آن، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۵.
۶. خواندمیر، تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام، [بی تا].
۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
۸. رویمر، «تیمور در ایران»، تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول: تهران، جامی، ۱۳۷۸.
۹. رویمر، «جانشینان تیمور»، تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول: تهران، جامی، ۱۳۷۸.
۱۰. زکی محمد حسن، صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، [بی جا]، کتاب‌فروشی و چاپخانه اقبال، ۱۳۲۰.
۱۱. سمرقندی، دولتشاه، تذکرة الشعراء، به کوشش محمد رضانی، چاپ دوم: تهران، انتشارات پدیده، ۱۳۶۶.
۱۲. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، چاپ اول: تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۳. فقیه ایمانی، مهدی، تاریخ تشیع اصفهان از دهه سوم قرن اول تا پایان قرن دهم، چاپ اول: ناشر: مؤلف، ۱۳۷۴.
۱۴. فیض، گنجینه آثار قم، چاپ اول: قم، مهر استوار، ۱۳۴۹.
۱۵. کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چاپ سوم: تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۱۶. کنتارینی، آمبروسیو، سفرنامه آمبروسیو کنتارینی، ترجمه قدرت‌الله روشنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
۱۷. گولد، جولیس و کولب، ویلیام ل، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروهی از مترجمان، چاپ اول: تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۷۶.
۱۸. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، برگی از تاریخ قزوین، قم، انتشارات کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۱.
۱۹. ———، سیدحسین، تربت پاکان، قم، چاپخانه مهر، ۱۳۵۵.
۲۰. ———، سیدحسین، قم‌نامه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۴.
۲۱. مؤسسه شیعه‌شناسی، سنت عزاداری و منقبت‌خوانی در تاریخ شیعه امامیه، چاپ اول: تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۲۲. میرخواند، روضه الصفا، تهران، پیروز، ۱۳۳۹.
۲۳. نراقی، حسن، تاریخ اجتماعی کاشان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۵.